



**آشتی صنعت با ورزش همیشه آرزوی اهالی ورزش در خطه خراسان بوده است. رؤیایی که روزگاری نه چندان دور عین واقعیت بود و اکنون فرض نزدیک به محال. در این ستون می‌کوشیم هر دوشنبه به ماجرای حضور بخش خصوصی در ورزش و فرجام آن‌ها بپردازیم.**

- سال‌های حضور: ۹۱ تا ۹۴
- رشته: والیبال
- نام حامی اقتصادی: مؤسسه مالی اعتباری میزان
- علت رفتن از ورزش: انحلال مؤسسه
- مهم‌ترین افتخار: کسب ۲ عنوان چهارمی لیگ برتر

شهرآرا، ۹۱ سال بود که ماجراجویی این حامی اقتصادی در ورزش مشهد آغاز شد. وقتی مدیرکل وقت ورزش‌و جوانان، علی‌اکبر هاشمی‌جوهری، امتیاز روی میزمانده سهمیه استان در لیگ برتر والیبال کشور را به مؤسسه مالی اعتباری میزان واگذار کرد، کسی فکرش را هم نمی‌کرد دوران شکوفایی و افتخار آفرینی والیبال استان آغاز شود. فارغ از اینکه مؤسسه میزان چقدر متخلف بود یا نبود چقدر در حق سپهره‌گذاران خود اجحاف کرد یا نکرد، آن‌ها برای والیبال اتفاق خوبی بودند. در سال‌هایی که والیبال بی‌صاحب بود و از بد روزگار امتیاز تیم استان در لیگ برتر به ایوب‌سلیمی رسیده بود که خود هزارویک مشکل داشت، میزان آهسته‌آهسته کار را در دست گرفت و خیلی زود توانست به اهداف کوتاه‌مدتی که ترسیم کرده بود، برسد. میزان در آخرین سال حضورش در لیگ برتر والیبال، چهارم‌های ملی‌پوش زیادی چون عادل غلامی و آرمن تشکری را در ترکیب داشت که هیواداران را به سان می‌کشاندند و تیم مشهد را به مدعی قهرمانی بدل کرده بودند. گفته می‌شد در آن سال میزان ۱۲ میلیارد هزینه کرده بود که عددی چشمگیری بود. میزانی‌ها هم‌زمان با تیم بزرگ‌سال، تیم بانوان هم تشکیل دادند و مدرسه والیبال خود را هم راه‌انداختند. طرح آکادمی و دانشگاه والیبال و تأسیس سالنی مجهز و اختصاصی برای این رشته، برنامه‌های میزبان برای آینده والیبال بود که همگی نقش‌یاب و در بحران مالی این مؤسسه غرق شد. میزان در ۲ سال حضورش در والیبال کشور ۲ عنوان چهارمی لیگ برتر را به مردم خراسان رضوی هدیه کرد و در نهایت با اشتباهات غلط و سیاست‌های رؤیابر دانه مدیرانش از بین رفت تا حسرت فتح لیگ برتر والیبال به دل والیبال‌دوستان مشهدی بماند.

### پلمب ۶۰ باشگاه ورزشی در مشهد

رئیس اداره ورزش‌و جوانان مشهد از پلمب ۶۰ تا ۷۰ باشگاه ورزشی از ۲۱ فروردین‌ماه امسال تاکنون خبر داد. براساس اعلام مهدی سلاطین، در این مدت، ۶۰ باشگاهی از باشگاه‌های ورزشی مشهد انجام شده است. گروه‌های بازرسی اداره ورزش‌و جوانان مشهد هر روز از ساعت ۷ صبح تا ۱۲ شب گشت می‌زنند و روزانه بیش از ۴۰ بازرسی انجام می‌شود که تذکر و اخطار کتبی و شفاهی به مدیران و مالکان باشگاه‌ها را در پی دارد. مشهد بیش از ۱۵۰۰ باشگاه و مکان ورزشی دارد که ۸۰ درصد آنان مجوز دارند، تا ۱۰ تا ۱۵ درصد در حال اقدام و در مرحله دریافت مجوزند و حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ باشگاه و مکان ورزشی در مشهد نیز بدون مجوزند.

### نبرد سخت شاگردان سنگجولی با نفت

هفته پانزدهم لیگ برتر فوتبال امیدهای کشور فردا آغاز خواهد شد و تیم فوتبال امیدهای پدیده مشهد باید چهارشنبه و از ساعت ۲۱ در زمین اختصاصی امیدیه به مصاف تیم نفت امیدیه برود. شاگردان سیروس سنگجولی در حالی به مصاف تیم مدعی نفت امیدیه می‌روند که میزبان با ۲۱ امتیاز در مکان سوم جدول است و برای صعود می‌جنگد، اما مشهدی‌ها با ۱۷ امتیاز و قرار داشتن در رتبه ششم جدول ۹ تیمی، شانس‌ی برای صعود به دور بعد رقابت‌ها ندارند.

### امشب؛ جدال مشهدی‌های لیگ یک فوتسال با رقیبان

هفته نهم رقابت‌های لیگ دسته‌یک فوتسال کشور امشب پیگیری می‌شود و طبق برنامه نمایندگان مشهد در گروه الف و ب باید به مصاف رقیب‌بروند. تیم فوتسال چیپس کامل که در گروه اول این مسابقات قرار دارد، باید در مشهد به مصاف زندی بتن کلاردشت برود. چیپس با ۸ امتیاز در مکان چهارم جدول شش‌تیمی این گروه قرار دارد و کلاردشتی‌ها که از حضور احمد پیری‌آذر، بازیکن سال‌های نه‌چندان دور علم و ادب مشهد، بر روی نیمکت خود بهره می‌برند، با ۱۳ امتیاز در مکان دوم جدول قرار دارند. توقف احتمالی نماینده مشهد در این دیدار می‌تواند به‌طور کامل امیدهای صعود آن‌ها را از بین ببرد. در دیدار دیگر نماینده مشهد هم امشب مقصد باید در گرمسار به مصاف سبحان فلز این شهر برود. مقدادی‌ها فقط با ۳ امتیاز برتری مقابل همین حریف در دور رفت در قعر جدول ایستادند و برای فرار از سقوط در دیدار با تیم هم‌پله‌شان در جدول به میدان می‌روند. هر ۳ بازی نمایندگان مشهد از ساعت ۲۲ امشب برگزار خواهد شد.

## شهریار

روزنامه شهرامد وزنگی

آشنه ۳۰ فروردین ۱۳۹۴ ۲۰ بهمن ۱۳۹۴ شماره ۳۳۴۴

SHAHIRANEWS.IR

## ورزشی

«خدایشان بیماری‌زد» از دهانش نمی‌افتاد. آخرین‌بماری که پای صحبت‌هایش نشستیم، از دوستان مرشدش که بناوی ضرب و زنگش روزگار گذرانده بود یاد می‌کرد و مدام می‌گفت: «خدایشان بیماری‌زد!» ریش سفید هشتادو هفت‌ساله گود زورخانه شهید احمدی واقع در خیابان المهدی کوی رسالت مشهد، با ایست قلبی چهره در نقاب خاک کشید. حاج‌علی خاکسار، پیر مرد اهل ضرب و زنگ، حال‌دیگر نمایش بچه‌های گودرانه از پشت شیشه زورخانه که از دیار باقی به تماشا می‌نشینند. حاج‌علی همیشه می‌گفت «به لطف ورزش سالم‌سالم هستم». اما این آخری‌ها دیگر توان سابق را نداشت، توان میل‌دست‌گرفتن و میانه‌گودرقض‌یاکردن. مرشد پیر دهه‌های دهه‌های زندگی‌اش را ندید، اما خاطره شمال‌ها حضور عاشقانه‌اش در کنار گود و زورخانه را همراه داشت. باز خوانی آخرین‌گفت‌وگویی شهر آ‌آ با او بیانگر شخصیت مردی است که با ورزش باستانی، پهلوانی کرد.

کفایش در محله دریا دل حاج‌علی خاکسار شناسنامه‌ای به تاریخ ۱۳۱۴ داشت. بچه کوچ‌ه نوغان مشهد در محله دریا دل بود و یک کفایشی داشت. اولین خاطره او از ورزش باستانی و گود زورخانه به دوران کودکی او برمی‌گردد: فکر می‌کنم هفت‌هشت‌سال بیشتر نداشتم. رضا، پدرم که می‌رفت زورخانه، من هم پشت سرش راه می‌افزادم. اما آن زمان مثل الان نبود. اصلاً اجازه نمی‌دادند که بچه‌ها پیشان را در زورخانه داخل بگذارند. من می‌رفتم پشت پنجره زورخانه می‌نشستم و ورزش کردن باستانی کارها را با عشق و علاقه نگاه می‌کردم. کلید اقبال حاج‌علی وقتی قفل زورخانه را باز کرد که اوستای کفایش او هنرش را دید: من در همان نوغان در یک کفایشی کار می‌کردم. یاد هست همسایه‌ای داشتم که خیلی قدو قامت بلندی نداشتم و به‌قول معروف ریزه میزه بود. از آن طرف من، هم هیکل درشتی داشتم هم زورم زیاد بود. صبح‌ها که می‌رفتم مغازه را باز کنم، با این بنده خدا وزنه می‌زدم. فلک چیزی هم نمی‌گفت. روزی علی‌آقا، اوستاکارم، که این صحنه را دید، گفت دوست داری با من بیای زورخانه؟ من هم از خدا خواسته بدون اینکه اصلاً ذره‌ای فکر کنم، گفتم بله. قرارمان شد ساعت

پنج‌شش صبح، فلکه آب. می‌خواستیم باهم برویم معروف‌ترین زورخانه آن زمان، باشگاه توس، که الان شده است شهدا. این آغاز راه پسر بچه محله نوغان در مسیر عاشقی با گود و زورخانه بود. از زورخانه تا زورخانه حاجی خاکسار سرانجام به آرویش می‌رسد و اولین بار وارد زورخانه می‌شود، آن‌هم بعد از هفت‌هشت‌سال و زیر نگاه‌های سنگین بزرگ‌ترهای باشگاه توس. علی‌آقا تعریف می‌کند: یاد هست مرشد باشگاه روز اول به من گفت جای تو از الان روبه‌روی سردم است. هر روز که می‌آیی باید همین جا ایستی نه جای دیگر. دیگر همه زندگی باشگاه تو، آن موقع پانزده‌ساله بود، می‌شود ورزش و گود زورخانه: این قدر غرق ورزش شده بودم که همه زندگی‌ام شده بود زورخانه رفتن. کله سحر می‌رفتم باشگاه توس، بعد از ظهر پاتوقم زورخانه بهرامی کنار باغ نادری بود و شب‌ها هم یک جای دیگر. بنده خدا پدر و مادر هم چیزی نمی‌گفتند و معتزم نمی‌شدند که چرا مدام می‌روی زورخانه و باشگاه.

حسرت کشتی بر دل مشت‌ی زندگی کشتی‌گیرهای قدیمی را که نگاه کنی، همه‌شان بدون استثنا اول باستانی کار بوده‌اند و خاک گود زورخانه خورده‌اند، بعد از تشک کشتی‌سر

هافیک مشهدی سابق تیم فوتبال پدیده بعد از ماجرای عجیب و غریب سرقت و



بی‌سرور صدا در فولاد نگویمان داشت و حتی ۹۰ دقیقه هم به میدان نرفت، حالا صنعت نفت آبادان را به‌عنوان مقصد بعدی فوتبالش انتخاب کرده است. او که قبل از سال نو به پدیده برگشته بود، خیلی زود و بعد از حمله کردن سارقان به وی، از این تیم جدا شد و به نفت آبادان رفت. هافیک جوان مشهدی درباره ارتباط ماجرای



## خاطره خاکسار

برای حاج‌علی خاکسار، بزرگ زورخانه‌های مشهد که چهره در نقاب خاک کشید

چکمه آمد و گفت خاکساری برو بالای گود. قبول نکردم و گفتم که اینجا کلی در جهدار و مافوق هست و نمی‌شود. با لحنی عصبانی جواب داد که در زورخانه افسر و این جور چیزها معنا ندارد. رفتم بالای گود، یعنی زیر سردم که معمولاً جای ریش‌سفیدها و صاحب‌زنگ‌هاست. در دستران ندهم، ورزش کردیم و نوبت چرخ‌زدن که رسید، همه‌شان رفتند و یک دور چرخیدند. چکمه به من اشاره کرد که برو. با اکراه قبول کردم. وقتی که چرخ زدنم تمام شد، همان وسط گود شروع کردند به دست‌زدن و تشویق کردن. یکی از افسرهای رده بالا به حسین چکمه رو کرد و گفت یک هفته مرخصی تشویقی بده. برایش رد کنی که یک ساعتش را هم به من ندادند.

میل و تخته تا دم کوچ‌ابدی حمید خاکسار، پسر حاج‌علی، می‌گوید پدرش تا دم آخر میل و تخته را کنار نگذاشت. حاج‌علی که دیگر توان سابق را نداشت، بساط زورخانه را در خانه فراهم کرده بود. پسرش می‌گوید: یک سال آخر به‌دلیل کرونا باشگاه تعطیل بود و پدرم میل و تخته را به خانه آورده بود و هر روز ورزش می‌کرد. گویی موسسید نمی‌خواست سن‌وسالش را باور کند. داستان عاشقی حاج‌علی به میل و کبابه و تخته ادامه داشت تا پاناش.

### ماجرای سرقت خشن یا اختلاف بر سر مبلغ قرارداد با پدیده چه چیزی «زامهران» را از مشهد فراری داد؟!

مالی ندارد، خاطر نشان کرد: صنعت نفت آبادان باشگاه با قدمتی است و من هم با این تیم تا پایان نیم فصل قرارداد دارم تا بعدش ببینم خواست خدا چیست. در هر حال، ماجرای جدایی یک‌باره زامهران از تیم شهر خودش عجیب است و به یکی از حاشیه‌های سؤال برانگیز بی‌شمار باشگاه پدیده اضافه شده است.

سرقت با این جدایی گفت: نمی‌خواهم بگویم که تأثیرگذار بوده است. در اصل همان اختلافی بود که من از همان ابتدا سر قراردادم با پدیده‌ای‌ها داشتم و این موضوع باعث شد که جدا شوم، ولی آن قضیه هم بی‌تأثیر نبوده است. صلاح نبود دیگر در مشهد بمانم. زامهران درباره پیوستن به صنعت نفت آبادان که موضوع جالبی از لحاظ امتیازی و

زیر ۱۴ سال این ذوب‌آهن مشهد است که بیکه‌تاری می‌کند، تیمی که در رده‌های سنی مختلف همواره جزو بالانشینان جدول است. در رده‌های سنی زیر ۱۶ و ۱۹ سال هم این تیم بایک عالی حرفه‌ای مشهد است که فعلاً صدر جدول را در اختیار دارد. یکی دیگر از باشگاه‌های قدرتمند رده‌های پایه که سال‌هاست در این حوزه فعالیت می‌کند و ستاره‌های زیادی را هم به فوتبال مشهد معرفی کرده است. در رده سنی زیر ۲۱ سال نیز تیم نادر مشهد در صدر قرار دارد تا کامیابی شش‌گانه مشهدی‌ها دست کم فعلاً برقرار باشد.

نته نیشابور به بیکه‌تاری مشهد تنه‌دهنده سنی لیگ‌های برتر فوتبال استان که تکلیفش به‌سود شهرستانی‌ها مشخص شده است، رده سنی بزرگ‌سالان است، جایی که تیم خیام بتن نیشابور توانست همین چند ماه پیش قهرمان مسابقات شود. قهرمانی‌ای که البته در رقابتی بر حاشیه با تیم همشهری یاران رئیسی نیشابور رقم خورد. ماجرا از این قرار بود که در روز پایانی جنگ قهرمانی میان این ۲ تیم بود و در نهایت، نیمه‌تمام‌ماندن بازی خیام بتن و آرامش مشهد کار به کمیته انضباطی کشاند و قهرمانی نیشابوری‌ها با حکم کمیته انضباطی به‌دست آمد!

**عکس‌های خاطره‌انگیز خود را در قاب خاطره شهرآرا ببینید**

با ارسال عکس‌های ورزشی خود به آدرس‌های زیر و چاپ آن در بخش قاب خاطره، شانس دیده شدن قاب‌های خاطره‌انگیز ورزشی خود را بیشتر کنید. عکس‌ها به نام خودتان در روزنامه و فضای مجازی منتشر خواهد شد.

راه‌های ارتباطی

info@shahrara.com  
۰۹۱۵۴۹۴۵۰۰  
۰۹۰۵۴۵۸۶۰  
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۱-۵



### قاب خاطره

جمع صمیمی پیامی‌ها در دهه ۶۰- عکسی دیدنی از بازیکنان تیم پیام مشهد در اوایل دهه ۶۰ که گرد جواد مرادنژاد جمع شده‌اند. عکس در زمین شماره ۲ تختی مشهد گرفته شده است که پیامی‌ها بعد از یک تمرین شاداب این لحظه صمیمی را از خود به یادگار گذاشته‌اند.

عکس از آلبوم جواد مرادنژاد